قاب تاریخ

وقتی ظل‌السلطان سردش بود!

رودسری – مسعود میرزا ظل‌السلطان، بزرگ‌ترین پسر ناصرالدین‌شاه محسوب می‌شد، اما چون مادرش از خاندان قاجار نبود، و لیعهد نشد. شخصیت او تحت تأثیر این مسئله، سمت و سویی عصیانگرایانه به خود گرفت. ظل‌السلطان با این که ظاهراً تاریخ می‌نوشت و شهرت دارد که «تاریخ مسعودی» به قلم اوست، اما در امور دیگر، همیشه راه افراط و تفریط می‌پیمود و هیچ جنبنده‌ای از دست وی آسایش نداشت. ناصرالدین‌شاه، شاید برای بستن دهان پسر بزرگش، ظل‌السلطان را به حکومت اصفهان منصوب کرد و او در دوران حکومت بر اصفهان، هر چه خواست انجام داد.

■ فاتحه خواندن بر میراث صفویه

یکی از اقدامات او، کمر همت بستن به انهدام آثار و ابنیه دوره صفویه بود؛ باغ سعادت‌آباد، عمارت آیینه‌خانه و عمارت نمکدان، از جمله بناهای دوره صفویه بود که به دستور ظل‌السلطان تخریب شد. وی دستور داد روی برخی نقاشی‌های نفیس دوره صفویه را در عالی‌قاپو گچ بمالند و به جای آن، نقاشی‌های دیگری بکشند. ظل‌السلطان نسبت به زیردستانش، رفتاری فوق‌العاده متکبرانه و خشن داشت؛ چون احساس می‌کرد شاهی حق اوست، می‌کوشید در سکناتش، به اصطلاح شاه‌گونه عمل کند. مشهور است که وقتی از کسی خوشش می‌آمد، او را بازشت‌ترین ناسزاها مخاطب قرار می‌داد و از مسخره کردن رجال دور و برش، سخت لذت می‌برد. ظل‌السلطان علاقه فراوانی به شکار داشت. در زمان او، منطقه میانکاله یکی از مناطق غنی ایران به لحاظ زیست جانوری بود؛ اما شاهزاده متکبر قاجار عزمش را جزم کرد تا نسل حیوانات این منطقه، مانند ببر و پلنگ را از میان بردارد و ظاهراً به مقصودش رسید! او در دوره مشروطه، ابتدا به مخالفت با مردم برخاست، اما نتوانست در برابر مشروطه‌خواهان مقاومت کند. وی در اواخر عمر دیگر نفوذ پیشین را نداشت و آخرین روزهای زندگی‌اش در سختی و مشقت سپری شد. مسعودمیرزا ظل‌السلطان در سال ۱۲۹۷ هـ.ش، در اصفهان درگذشت. در تصویر امروز که به بهانه بارش برف و طراوت زمستانی این روزها، انتخاب شده است، ظل‌السلطان را در جبه نفیس زمستانی‌اش می بینید؛ عکس مربوط به دوران جوانی وی و احتمالاً، همزمان با دوره میانی سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار است.

غلبه بر آمریکا با یک مشت برنج!

روستاییان ویتنامی چگونه توانستند در برابر ارتش مجهز ایالات متحده ایستادگی کنند؟

جواد نوائیان رودسری– اوریانا فالاچی، خبرنگار و نویسنده معروف ایتالیایی در کتاب مشهور «زندگی، مرگ و دیگر هیچ!»، وقتی می‌خواهد درباره مبارزان ویت کُنگ صحبت کند، ابتدا به مقاومت حیرت‌انگیز آن‌ها و صبر شگفت‌آورشان اشاره می‌کند؛ «مردانی که با یک مشت برنج پخته، می‌توانند یک هفته در سنگری تنگ و تاریک دوام بیاورند تا به دشمن ضربه بزنند.» بیشتر ویت کنگ‌ها یا مبارزان ویتنام جنوبی که تحت رهبری هوشی‌مینه، قصد داشتند استقلالشان را به دست بیاورند، روستاییانی بودند که کاسه صبرشان لبریز شده بود؛ صد سال استعمار فرانسه و حالا، آمریکایی‌هایی که از آن سوی دنیا آمده‌بودند تا بر خرمن آمال و آرزوهای یک ملت، آتش بیندازند. این نوشتار، روایتی تاریخی از یک مقاومت شگفت‌انگیز است.

■ «نه» به استعمار قدیم و جدید

ماجرای ورود آمریکا به قضیه ویتنام، در دهه ۱۹۵۰ و به‌ویژه پس از شکست سنگین فرانسوی‌های استعمارگر از مبارزان چپگرای ویتنامی در شهر «دین بین فو» آغاز شد. ضربه این نبرد آن‌قدر سخت و کاری بود که فرانسه مجبور شد در کنفرانس ژنو، در سال ۱۹۵۴، به استقلال ویتنام تن در دهد. ویتنامی‌ها با رهبری هوشی‌مینه، از سال ۱۹۴۵ به دنبال استقلال بودند؛ با این حال، آمریکایی‌ها در کار استقلال آن‌ها موش دواندند؛ کشور، موقتاً به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد تا آبستن حوادث خون‌رنگ باقی بماند. بهانه حمایت شوروی از کمونیست‌های ویتنامی کافی بود تا شعله جنگ در این سرزمین دوباره زبانه بکشد. وقتی در سال ۱۹۵۵، «نگو دین دیم»، سیاستمدار راستگرای ویتنام و محبوب آمریکایی‌ها، با حمایت آن‌ها بر اریکه قدرت در ویتنام جنوبی تکیه زد، امیدهای مردم برای ایجاد کشوری مستقل و یکپارچه، با روش مسالمت‌آمیز، عملاً بر باد رفت. «دین دیم» به سرعت حکومت خود را به یک دیکتاتوری تمام عیار تبدیل کرد. آمریکایی‌ها که نگران نفوذ شوروی بودند، سعی کردند همین روش را در لائوس و برمه به کار بگیرند؛ هر دو کشور بعد از جنگ ویتنام، صاحب حکومت چپگرا شدند و عملاً از حیطه قدرت یانکی‌ها بیرون رفتند! تلاش ویتنامی‌های جنوبی مخالف حضور بیگانه، برای اتحاد دوباره با ویتنام شمالی، در قالب «جبهه ملی آزادی‌بخش ویتنام جنوبی» سازمان‌دهی شد. آن‌ها برای مبارزانشان، نام «ویت کُنگ» را برگزیدند.

■ آغاز یک نبرد نابرابر

«دین دیم» کوشید تا مقاومت مردمی را خنثی کند؛ الگوی او برای این کار، همان چیزی بود که آمریکایی‌ها دیکته می‌کردند: همه را

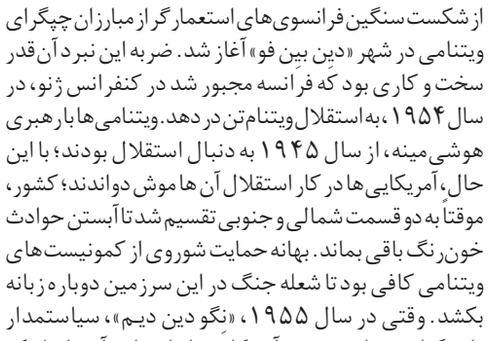

سرباز آمریکایی یک جوان ویتنامی را به ظن همکاری با ویت کنگ‌ها تهدید می‌کند

نوجوان ویتنامی، اسیر آمریکایی را جابه‌جا می‌کند

بکش! اما «دین دیم» در میان مردمش به عنوان یک رئیس‌جمهور دست‌نشانده شناخته می‌شد و محبوبیتی نداشت؛ قاطبه مردم جانب ویت کنگ‌ها را گرفتند و مقاومت به اوج خود رسید. جان. اف. کندی، رئیس‌جمهور آمریکا، تلاش کرد با فرستادن مستشاران نظامی و تقویت بنیه ارتش ویتنام جنوبی، کار شمالی‌ها و حامیان آن‌ها را بسازد؛ اما این موضوع شدنی نبود. آمریکایی‌ها می‌دانستند که «دین دیم» و نیروهای مزدورش، مرد این میدان نیستند. به همین دلیل تصمیم گرفتند عملاً وارد این کشور کوچک شوند تا با ارتش مجهزشان، کمر مقاومت ویتنامی‌ها را بشکنند؛ زرادخانه آمریکایی‌ها، آن روز هم بهترین زرادخانه دنیا بود؛ بمب‌های فسفری و ناپالم، فقط بخش کوچکی از کلکسیون ابزار آدمکشی یانکی‌ها را تشکیل می‌داد. مشاوران نظامی جانسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تقریباً تردیدی در پیروزی سریع بر ویت کنگ‌ها و به اصطلاح نجات ویتنام از چنگ جریان چپ نداشتند. لشکرکشی به ویتنام یک بهانه می‌خواست و آمریکایی‌ها خیلی راحت می‌توانستند این بهانه را بتراشند؛ حمله نیروهای ویتنام شمالی به ناوهای آمریکایی در یکی از روزهای سال ۱۹۶۴؛ دروغ که استخوان نبود تا در گلو گیر کند! بمباران منظم و سریع شهرهای ویتنام شمالی آغاز شد و هیچ کس نپرسید که این نیروی واکنش سریع آمریکایی، چگونه ظرف ۴۸ ساعت خودش را به سواحل ویتنام رسانده است؟!

■ نقشه‌های شوم

جنگی که تصور می‌شد چند ماهه جمع و جور شود، ۱۳ سال طول کشید! آمریکایی‌ها معمولاً در برآورد نیروی مقاومت در کشورهای جهان سوم، ضعیف عمل می‌کنند؛ آن‌ها فکرش را هم نمی‌کردند که جوانان لاغراندام و نحیف ویتنامی این‌طور مقاومت کنند. با گذشت چند سال، دیگر کنترل حملات ویت کنگ‌ها غیرممکن بود؛ کابوس ژنرال‌های آمریکایی آغاز شد. جنگ‌های چریکی امان آن‌ها را برید. هزاران نیروی آمریکایی، بدون توجه به قوانین بین‌المللی، وارد ویتنام شدند؛ بمباران مواضع ویت کنگ‌ها، جایی که اصلا معلوم نبود کجاست، هر روز انجام می‌گرفت! آمریکایی‌ها معتقد بودند که ریشه مقاومت ویتنامی‌ها در جامعه متحد روستایی آن‌هاست؛ باید حیات روستاهای این کشور را سلب کرد و بر مزارع گسترده برنج آن گرد مرگ پاشید! یک نسل‌کشی تمام عیار که قصاب‌های بزرگ تاریخ، مانند چنگیز، تیمور و آتیلا در برابر آن کُرنش می‌کردند. هواپیماهای آمریکایی بر فراز مزارع گسترده برنج، سم می‌ریختند، روستاها به آتش کشیده می‌شد و غیرنظامیان به صورت دسته‌جمعی قتل‌عام می‌شدند؛ اما از تسلیم خبری نبود.

> روز ۳۰ آوریل سال ۱۹۷۵، نیروهای ویتنام شمالی بالاخره سایگون، پایتخت منطقه جنوبی را گرفتند. آخرین سربازان متجاوز آمریکایی، ویتنام را ترک کردند. انتخابات سال ۱۹۷۶، بالاخره باعث وحدت شمال و جنوب شد. ویت کنگ‌ها بر مجهزترین ارتش دنیا که اتفاقاً سلاح‌های زیبایی هم داشت، پیروز شده بودند!

■ سلاخی در «می‌لای»

ویتنامی‌ها قدم در راه بدون بازگشت استقلال گذاشته بودند؛ آن‌ها آمریکایی‌ها را نمی‌خواستند؛ همین! مقاومت عجیب ویتنامی‌ها روی اعصاب نظامیان آمریکایی بود؛ هر آن امکان داشت از پشت یک درخت، بوته یا تخت سنگ، ویت کنگی با مشتی برنج پخته در دست ظاهر شود و جان متجاوزان را بگیرد. آمریکایی‌ها، توحش فردی را چاشنی کشتار جمعی کردند؛ تجاوز، قتل و زجرکش کردن روستاییان، به موضوعی عادی بدل شد؛ کودکان و زنان بیش از همه در معرض این جنایت غیرقابل توصیف قرار داشتند. در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۸، نظامیان آمریکایی وارد «مِی لای»، جایی در منطقه میانی ویتنام شدند و به جان مردم افتادند؛ حدود ۶۰۰ زن و کودک سلاخی شدند و تعداد زیادی از آن‌ها، پیش از مرگ مورد تجاوز گروهی قرار گرفتند. راز این جنایت هولناک یک‌سال بعد فاش شد. آمریکایی‌ها مفتخرانه با قربانیان عکس یادگاری می‌انداختند. وقتی خبر این وحشی‌گری تکان‌دهنده در دنیا منتشر شد، موجی عظیم علیه جنگ‌طلبی آمریکایی‌ها به راه انداخت. آمریکایی‌ها از نخستین روزهای رودررویی با ویت کنگ‌ها به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی رو آوردند؛ بمب‌های فسفری، حتی بدن افراد دور از صحنه انفجار را به شکل مشمئزکننده‌ای می‌سوزاند. بمب‌های خوشه‌ای منطقه‌ای گسترده را ویران می‌کرد؛ اما همه این جنایت‌های غیرانسانی، نتوانست خللی در مقاومت ویتنامی‌ها به‌وجود بیاورد. آمریکا در برابر این مقاومت کم آورد. حالا فقط به دنبال راهی برای فرار از باتلاق ویتنام بود. روز ۳۰ آوریل سال ۱۹۷۵، نیروهای ویتنام شمالی بالاخره سایگون، پایتخت منطقه جنوبی را گرفتند. آخرین سربازان متجاوز آمریکایی، ویتنام را ترک کردند. انتخابات سال ۱۹۷۶، بالاخره باعث وحدت شمال و جنوب شد. ویت کنگ‌ها بر مجهزترین ارتش دنیا که اتفاقاً سلاح‌های زیبایی هم داشت، پیروز شده بودند!

تصویری از یک پیرزن ویتنامی در «می‌لای»؛ او پیش از کشته شدن برای نجات دخترش از چنگ آمریکایی‌ها ضجه می‌زند

چند خط تاریخ

نقش معشوقه شاه در سقوط قوام‌السلطنه!

یکی از مشکلاتی که پس از ورود متفقین به ایران، در شهریور ۱۳۲۰، پیش آمد، کمبود شدید غله بود. فقدان راه‌های ارتباطی امن از یک سو و شرایط اقلیمی برخی مناطق کشور از سوی دیگر، باعث شد که ساختار تهیه و توزیع مواد غذایی کشور با بحرانی جدی روبه‌رو شود. در چنین شرایطی، محمدرضا پهلوی که سخت احساس خطر می‌کرد، در تلاش بود تا برای تثبیت جایگاه خود به تضعیف دولتمردانی بپردازد که عموماً به جایگاه وی، اهمیتی نمی‌دادند و در باطن، مستقلانه حکم می‌راندند. فشار قحطی بر مردم، زمینه‌ساز بروز ناآرامی‌هایی در کشور شد که اوج آن در ۱۷ آذر سال ۱۳۲۱ بود. باور بسیاری از کارشناسان بر این اصل قرار داشت که ریشه اصلی این ناآرامی‌ها، مشکلات بنیادین اقتصادی است؛ اما روایتی که بعدها از سوی برخی شاهدان عینی، از جمله ابوالحسن عمیدی نوری، روزنامه‌نگار مشهور، انتشار یافت، خلاف این موضوع را نشان داد. عمیدی نوری در خاطراتش، پرده از تلاش‌های گسترده شاه برای تقویت ناآرامی‌ها برداشت و حتی به نقل از قوام‌السلطنه، به فعالیت گسترده پری دیوسالار، معشوقه محمدرضا پهلوی در این قضیه اشاره کرد. عمیدی نوری نوشت: «پرونده ۱۷ آذر [سال ۱۳۲۱] نیز تحت تنظیم بود. از کسانی که بازداشت شده بودند تحقیقات به عمل آمد و از قراری که بعداً از مرحوم قوام‌السلطنه شنیدم، دنباله تحقیقات به جاهای باریک کشیده شده بود. پای زنی به میان آمده بود به نام پری دیوسالار (معشوقه شاه) که او در راه ایجاد این بلوا، پول فراوان خرج کرده بود و سردسته‌های بلوا از قبیل مرحوم احمد دهقان از او پول گرفته بودند. دامنه تحقیقات از منبع پول او و دارای اهمیت خاص بود، بدین معنی که معلوم شد قبل از بروز توطئه، چکی به مبلغ قابل توجه از حساب شاه به این خانم داده شده بود که آن وجه قابل در حساب او ریخته شده [و او] را در چنین خرجی آماده ساخته بود. اهمیت این موضوع که از نظر محمدرضاشاه هم مستور نمانده بود باعث گردیده بود بر فعالیت دربار و ارتش در سقوط کابینه قوام افزوده گردد. به همین جهت، اولا از مجلس شورا طی طرحی که [از طرف] خود نمایندگان مجلس به فعالیت عباس مسعودی و شکرا... صفوی تهیه شده بود تحت عنوان این که «کسانی که تا این تاریخ بیش از بیست سال مدیر و صاحب امتیاز روزنامه بودند حق داشتن امتیاز و انتشار روزنامه خود را دارند»، ماده واحده‌ای از تصویب گذشت که دو مرتبه روزنامه‌های «اطلاعات» و «کوشش» با داشتن امتیاز روزنامه از طرف مسعودی و صفوی منتشر گردیدند؛ ثانیا کابینه قوام‌السلطنه از اکثریت افتاده ساقط گردید و کابینه تازه نیز به ریاست علی سهیلی تشکیل شد که هم قابل انعطاف در برابر خارجیان بود و هم دربار و هم نمایندگان مجلس، که کم‌کم احساس می‌نمودند باید وارد مبارزه انتخاباتی برای تشکیل مجلس چهاردهم گردند (که اولین دوره انتخابات آزاد پارلمان ایران پس از اختناق بیست‌ساله دوره رضاشاه بود). به همین جهت شخصیتی چون مرحوم علی سهیلی برای هر سه قدرت متنفذ کشور در چنین موقعی مناسب بود.»

تاریخ معاصر

چرا پیمان سنتو انتظارات آمریکایی‌ها را برآورده نکرد؟

پیمانی که از آغاز شکست خورد!

روز بیستم اسفند ۱۳۵۷، وزارت خارجه ایران، طی اطلاعیه‌ای، قرارداد «سنتو» را قراردادی مانند پیمان سعدآباد دانست و تأکید کرد که این پیمان، تنها متضمن منافع ابرقدرت‌ها بوده است. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، دولت ایران با این اطلاعیه، خروج رسمی کشورمان را از پیمان سنتو، اعلام کرد. پیمان سنتو در حقیقت ادامه پیمان بغداد بود؛ پیمان بغداد حلقه اتصال بین پیمان ناتو در غرب و پیمان سیتو در شرق آسیا محسوب می‌شد و هدف از تشکیل آن، جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود. پیش‌نویس این پیمان، پنجم اسفند ۱۳۳۳، در بغداد، بین کشورهای پاکستان، ترکیه، عراق و انگلستان امضا شد. هدف اعلام شده در این پیش‌نویس، «تضمین دفاع و امنیت منطقه خاورمیانه» بود. بر اساس ماده ۵ پیمان بغداد، ورود به این پیمان برای کشورهای ذی‌نفع در منطقه آزاد اعلام شد. به همین دلیل، انگلستان در دهم فروردین ۱۳۳۴، پاکستان در اول مهر ۱۳۳۴ و ایران در ۱۹ مهر همان سال، رسماً وارد پیمان بغداد شدند. اما آمریکا که خود بانی تشکیل این سازمان بود، از ورود به این پیمان خودداری کرد. پس از کودتای ۱۳۳۷ عبدالکریم قاسم در عراق و خروج این کشور از پیمان، نام آن به سنتو تغییر کرد. این کمیته، نقش عمده‌ای در سرکوب مبارزات مردمی ایفا می‌کرد. در سال ۱۳۵۰، کمیته مشترک ضد خرابکاری، با حضور نماینده آمریکا در سنتو و با مشارکت نمایندگان ارتش، ژاندارمری، شهربانی و ساواک، به منظور سرکوب مبارزات مردمی ایجاد شد. اعلام بی‌طرفی و عدم کمک آمریکا به پاکستان در جنگ ۱۹۶۵ با هند و تجزیه بخشی از خاک این کشور در ۱۹۷۱ که به تأسیس کشور بنگلادش انجامید، باعث خروج پاکستان از پیمان سنتو شد. این پیمان که با محوریت ایران فعالیت می‌کرد، با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج کشورمان از آن، عملاً منحل شد.

« آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مشاوران»
شماره ستاد ۲۰۹۸۰۰۳۷۰۲۰۰۰۰۳۲
نوبت اول
نام کارفرما: اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر
نشانی : بوشهر – انتهای بزرگراه طالقانی –اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر – کدپستی ۷۵۱۳۷۴۹۷۹۷
تلفن ۷-۳۳۳۲۲۰۵۱ و ۳۱۶۶۶۷۵۲-۰۷۷ ، فاکس ۶۵۰۰-۳۱۶۶۶۷۰۰ و ۳۳۳۳۰۰۷۲-۰۷۷ ، پست الکترونیک info@bpmo.ir ، آدرس سایت www.bpmo.ir
موضوع خدمات مشاوره : مشاوره فنی تعمیر و نگهداری تجهیزات مخابراتی و الکترونیکی اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر
گواهینامه صلاحیت حسب مورد : دارا بودن گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره در یکی از تخصص های ذیل :
گروه ارتباطات و فناوری اطلاعات – حداقل پایه ۱تخصص انتقال یا حداقل پایه ۱تخصص طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات
رشته و یا زمینه تخصصی مشاور : مخابراتی و الکترونیکی
محل ، مهلت و نحوه دریافت اسناد : از تاریخ درج آگهی(روز دوشنبه مورخ ۹۸/۱۰/۲۳) تا ساعت ۱۷:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۹۸/۱۰/۲۹ با مراجعه به سایت (setadiran.ir) اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
– محل و مهلت تسلیم پاکت پیشنهادها : مناقصه گران باید پیشنهادهای خودرا بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد به آدرس (setadiran.ir) تا ساعت ۱۷:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۱۳ بارگذاری نمایند
– محل و زمان بازگشایی پاکت پیشنهادها : پیشنهادهای مناقصه گران راس ساعت ۹:۰۰روز دوشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۱۴ در محل ساختمان مرکزی به آدرس دستگاه مناقصه گزار مفتوح خواهد شد .
اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر
۴۲۶

سرکار خانم
دکتر سپیده الیاسی
ارتقا به مرتبه دانشیاری
را صمیمانه به شما تبریک می گوییم.
با آرزوی موفقیتهای بیشتر برایت؛ شاد و کامروا باشید
پدر، مادر و خواهرت

شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
آگهی مزایده عمومی شماره ۹۸/۱۰۸
شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد تعداد ۴۵ قلم انواع کالای اسقاط خود را از طریق مزایده واگذار نماید. داوطلبان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس های ذیل مراجعه فرمایند.
۱- مشهد - بلوار وکیل آباد - بلوار شهید صیاد شیرازی - صیاد شیرازی ۳۵، اداره انبارهای شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد تلفن : ۳۸۶۸۲۷۴۵
۲- سایت معاملات توانیر www.tavanir.org.ir
۳- وب سایت شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد www.Meedc.ir
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد
www.meedc.ir

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰